



## ممیزات غاصب در ضمان قهری

زهرة نجفی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه شاهد تهران [Zohreh.law@gmail.com](mailto:Zohreh.law@gmail.com)

### چکیده

غصب یکی از عناوین اصیل در حقوق است که باید جدای از مسئولیت مدنی و سایر عناوین ضمان قهری مستقل شناخته شود. به منظور شناخت کامل غصب و مقایسه ی مسئولیت غاصب با سایر عناوین ضمان قهری، تحلیل ویژگی های خاص هر یک و بررسی تفاوت های آنها با یکدیگر، بسیار حائز اهمیت است. این مقایسه استقلال نظریه استیلاء نامشروع را در کنار مسئولیت مدنی و استیفاء نمایان می سازد. از این به نظر می رسد، وجه تمایز غصب با مسئولیت مدنی در مبنا، قلمرو و احکام و آثار است که این وجه تمایز ایجاب می کند، نظریه ی غصب مستقل بماند و پیرو آن مسئولیت غاصب نیز متمایز گردد و همچنین به نظر می رسد مسئولیت غاصب بسیار شدیدتر از مسئولیت در سایر عناوین ضمان قهری است.

**واژگان کلیدی:** غصب، مسئولیت غاصب، مسئولیت مدنی، تسبیب، اتلاف، استیفاء، استفاده بدون جهت، ایفای ناروا

### مقدمه

فقه های امامیه ضمان ید و ضمان ناشی از اتلاف و تسبیب را در یک باب بررسی می کنند این شیوه از لحاظ علمی مفید است زیرا این دو ضمان قواعد مشترکی دارند اما از لحاظ نظری باید شیوه ی نویسندگان قانون مدنی را دنبال کرد. تفاوت آشکار در مبنا و قلمرو و احکام و آثار این دو ایجاب می کند که نظریه ی غصب از مسئولیت مدنی مستقل بماند و مسئولیت مدنی به اتلاف و تسبیب اختصاص یابد. ضمان قهری یا الزام های خارج از قرارداد را نمی توان به مسئولیت مدنی محدود کرد، قانونگذار عنوان های دیگری از جمله غصب و استیفاء را نیز برگزیده است که هرچند اهمیت مسئولیت مدنی را ندارد ولی در حدود خود اصالت دارد و تابع احکام خاص خود است. غصب و آنچه در حکم آن است در ایجاد ضمان قهری قلمرو گسترده ای دارد و بسیاری از مسائل مربوط به مسئولیت مدنی و استیفاء نامشروع را در بر می گیرد در نتیجه بسیار حائز اهمیت می باشد. به دلیل همین اهمیت گسترده، مسئولیت غاصب باید به طور دقیق، از مسئولیت مدنی و سایر عناوین الزام های خارج از قرارداد تفکیک شده و وجوه تمایز آنها، مشخص گردد تا به طور دقیق تری بتوان آنها را از یکدیگر بازشناخت. هدف اصلی در این نوشتار با عنوان «ممیزات غاصب در ضمان قهری»، شناسایی ویژگی های خاص غاصب و وجوه تمایز آن با دیگر عناوین الزامات خارج از قرارداد، می باشد.

۱. ممیزات غاصب در غصب

غصب در لغت به معنی به زور و ستم گرفتن چیزی آمده است، در منابع فقهی و حقوق مدنی، تعاریف مختلف و متعددی از غصب به عمل آمده است (ابهری، پرتوی، ۱۳۸۹، ۲).

در ماده ۳۰۸ قانون مدنی چنین آمده «غصب، استیلاء بر حق غیر است به نحو عدوان، اثبات ید بر مال غیر بدون مجوز هم در حکم غصب است». براساس تعریف بالا شرایط تحقق غصب عبارتند از:

استیلاء: برای تحقق غصب، لازم است شخص غاصب بر حق دیگری استیلاء پیدا کند.

حق غیر: برای تحقق غصب استیلاء بر حق دیگری شرط است. بنابراین اگر کسی بر حق خود استیلاء پیدا بکند، به هیچ عنوان غصب مصداق نخواهد یافت (قاسم زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۹۲).

عدوان: در صورت تسلط فرد بر حق دیگری، اگر با مجوز قانونی باشد عنوان غصب تحقق نمی یابد، فرد باید بر حق غیر، به نحو غیرقانونی و بدون مستند تسلط یابد تا غصب محقق شود (میرشکاری، ۱۳۹۰، ص ۲).

با توجه به ذیل ماده ی ۳۰۸ ق.م در کنار مفهوم غصب باید یک اصطلاح دیگری را نیز بررسی کرد، این اصطلاح بیشتر در مواردی به کار می رود که متصرف سلطه ی خود را با اذن مالک آغاز می کند ولی زمانی که مالک مال خود را از متصرف می خواهد او مال مزبور را انکار می کند یا از برگرداندن آن خودداری می نماید (کاتوزیان، واقعه حقوقی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۹-۱۹۸).

۱-۱ تعهد مطلق غاصب



غاصب یا متصرف غیرمجاز، با تصرف در مال یا حق غیر، در واقع، متعهد می گردد که آن را به مالک یا صاحب حق برگرداند و این تعهد یک تعهد مطلق است، یعنی به هر صورت، ولو با وجود قوه ی قاهره او باید تعهد خود را انجام دهد و هیچ حادثه ای او را از انجام چنین تعهدی معاف نمی نماید. همچنین در صورت از بین رفتن مال بوسیله ثالث یا قوه ی قاهره، غاصب مسئول جبران خسارت مذکور می باشد (باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۱۵۲-۱۵۰).

در ماده ی ۳۱۱ ق.م. مقرر شده است: « غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید...» و ماده ی ۳۱۳ ق.م. نیز در مورد مطلق بودن تعهد غاصب به رد عین مغضوب بیان می کند که: « هرگاه کسی در زمین خود با مصالح متعلقه به دیگری بنایی بسازد و یا درخت غیر را بدون اذن مالک در آن زمین غرس کند، صاحب مصالح یا درخت می تواند قلع یا نزع آن را بخواهد مگر اینکه به اخذ قیمت تراضی نمایند».

البته این در مواردی بود که غاصب شخص واحد باشد، در صورتیکه افراد متعدد مالی را غصب نمایند، دو فرض قابل تصور است:

نخست اینکه هر کدام از غاصبین به ترتیب زمانی، مال را غصب نمایند، مثلاً مال مغضوب را یکی از غاصبین غصب نماید و بعد شخص دیگری مال را از غاصب قبلی غصب کند و همینطور، هر غاصبی بعد یا قبل از دیگری مال را غصب کرده است که در این صورت مسأله ی تعاقب ایادی پیش می آید. در این صورت تمامی غاصبان، تعهد مطلق دارند تا مال را به صاحب آن برگردانند. به همین جهت در ماده ی ۳۱۷ ق.م. مقرر شده است: « مالک می تواند عین، مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند». در این ماده به تعهد مطلق غاصبان ترتیبی، به برگرداندن عین تصریح شده است.

فرض دوم موردی است که غاصبان متعدد، همزمان و با همدیگر مال را غصب نمایند. در این صورت باید دید که آیا مالک می تواند از هریک از غاصبان، خواهان استرداد تمام عین گردد؟

در صورتی که عین در تصرف یکی از غاصبان باشد، مالک می تواند از او استرداد تمام عین را خواستار شود. ولی اگر قسمتی از مال در تصرف غاصبی و قسمت دیگر در تصرف شریک دیگر باشد، در این صورت از او به نسبت مشارکتی که در غصب داشته است، می تواند درخواست استرداد مال را بنماید (همان، ص ۱۵۳، ۱۵۲)

#### ۱-۲ وجود مسئولیت تضامنی ویژه ی غاصب

در ماده ی ۳۱۶ ق.م. آمده است که: « اگر کسی مال مغضوب را از غاصب غصب کند، آن شخص نیز مثل غاصب سابق ضامن است، اگرچه به غاصبیت غاصب اولی جاهل باشد». این حکم به این معنی می باشد که هرکسی دست نامشروع بر مال دیگری دارد ضامن برگرداندن عین منافع و بدل آن است (علی الید ما اخذت حتی تؤدی) بنابراین هر کسی که از راه نامشروع بر مال دیگری استیلا یافته ضامن است و ضمان به غاصب نخستین محدود نمی شود. پس غاصب یا خریدار از غاصب (ماده ی ۳۲۳ ق.م.) نیز در همان وضع حقوقی او قرار می گیرد و مشمول حکم تکلیفی و وضعی غصب می گردد. ماده ی ۳۱۷ ق.م. مقرر می نماید که « مالک می تواند عین و در صورت تلف شدن عین، مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند».

اشتراک در موقعیت باعث می شود تا همه ی غاصبان در برابر مالک، ضامن تمام خسارت قرار گیرند و او بتواند یک حق را از چند نفر مطالبه کند، همین وضع است که به مسئولیت تضامنی غاصبان تعبیر می شود. بنابراین مالک نمی تواند دو یا چند برابر حق خود را از غاصبان بگیرد و مسئولیت تضامنی را وسیله ی استیفا قرار دهد زیرا چنانکه اشاره شد، او بیش از یک حق ندارد و تنها همان را می تواند از چند ضامن بگیرد. همین که خسارت جبران شود یا عین مال به دست مالک برسد، حقی که مبنای ضمان است از بین می رود و همه ی غاصبان، بری می شوند ماده ی ۳۱۹ ق.م. در این باره به صراحت بیان می کند که: « اگر مالک تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصبین بگیرد، حق رجوع به قدر مأخوذ به غاصبین دیگر ندارد».

این تضامن به گونه ای محدودتر، درباره ی منافع مال مغضوب نیز وجود دارد زیرا هر غاصب، ضامن منافع زمان تصرف خود و دست های نامشروع بعد از آن است ولی نسبت به غاصبان پیش از خود مسئولیتی ندارد (ماده ی ۳۲۰ ق.م.) (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۰۰).

#### ۱-۲-۱ تقسیم مسئولیت بین غاصبان

درباره ی تقسیم مسئولیت بین غاصبان باید بین ضمان ناشی از تلف عین و منافع تفاوت گذاشت:

در مورد تلف عین؛ هدف این است که سر انجام ضمان برعهده ی غاصبی قرار گیرد که مال مغضوب را تلف کرده یا در زمان تصرف او تلف شده است. «پس هرگاه مالک رجوع کند به غاصبی که مال مغضوب در ید او تلف شده است آن شخص حق رجوع به غاصب دیگر را ندارد. ولی اگر به غاصب دیگری به غیر از آن کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع نماید مشارالیه نیز می تواند به کسی که مال در ید او تلف شده است رجوع کند و یا به یکی از لاحقین خود رجوع کند تا منتهی شود به کسی که مال در ید او تلف شده است و به طور کلی ضمان برعهده ی کسی مستقر است که مال مغضوب در نزد او تلف شده است.» (ماده ۳۱۸ ق.م)



# کنفرانس سالانه پژوهش های حقوقی و قضایی شهریورماه ۱۳۹۶



در مورد منافع؛ چون مسئولیت قابل توزیع بین ضامنان است، هر غاصب مسئول منافی است که در زمان تصرف او تلف یا استیفاء شده است، « غاصبی که از عهده ی تصرف منافع غاصبین لاحق خود برآمده است، می تواند به هریک نسبت به زمان تصرف او رجوع کند» ( ذیل ماده ۳۲۰ ق.م. ) (همان، ۱۰۱).

۲-۲-۱ حدود مسئولیت تضامنی

هرگاه مال مغضوب در زمان تصرف یکی از غاصبان نقص و عیبی پیدا کند و سپس در دست دیگران تلف شود، غاصبان بعد از او تنها ضامن مثل یا قیمت مال ناقصی هستند که غضب کرده اند و تفاوت قیمت برعهده ی کسانی است که مال سالم در دست داشته اند. هرگاه مال مغضوب در جریان غضب های متعدد افزایشی پیدا کند، مسئول تلف این فزونی دستهای پیش از آن نیستند و ضمان اختصاص به دستهای بعدی دارد. بدین ترتیب اگر فزونی در زمان تصرف کسی عارض شود که مال را تلف می کند تنها او ضامن است و غاصب در این بخش از خسارات حق رجوع به دیگران را ندارد ( همان، ص ۱۰۷ ).

۳-۱ عدم تأثیر قوه ی قاهره

کسی که از راه نامشروع و به عدوان بر مال دیگری استیلا پیدا می کند، به حکم قانون ضامن برگرداندن مال به صاحب آن است ( علی الید ما اخذت حتی تؤدی ). نتیجه ی این تکلیف قانونی، ضمان او نسبت به هرگونه تلف یا نقصی است که در مال پیدا می شود خواه در اثر فعل دیگران یا حوادث خارجی باشد ( همان، ج ۱، ص ۳۶۷ ). ماده ی ۳۱۵ ق.م. درباره ی این مسئولیت می گوید: « غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد، هرچند مستند به فعل او نباشد».

۴-۱ ملزم شدن غاصب به بازگرداندن عین

به موجب ماده ۳۱۱ ق.م. « غاصب باید مال غاصب مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید...».

این الزام مقدم بر سایر تعهدهای غاصب است: بدین صورت که هرگاه عین مال موجود باشد، غاصب نمی تواند از رد آن خودداری کند و از مالک بخواهد که بدل آن را، اعم از مثل یا قیمت، بگیرد. مالک نیز در این مورد حق ندارد مطالبه ی مثل و قیمت کند، زیرا دین غاصب در این مرحله تنها بازگرداندن عین است.

نقص و عیب مال مغضوب: نقص و عیب مال مغضوب خواه در نتیجه ی عمل غاصب یا حوادث خارجی باشد، اثری در تکلیف او به رد عین به صاحب مال ندارد. در این فرض غاصب باید عین ناقص یا معیوب را به مالک بازگرداند، هرچند که نام و منفعت مقصود از آن در عرف تغییر کند. ماده ی ۳۱۵ ق.م. در این باره اعلام می کند: « غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد، هرچند مستند به فعل او نباشد».

البته از نظر ضمان ناشی از غضب، همین اندازه کافی است که در زمان تصرف غاصب رخ داده باشد ولی از جهت مسئولیت مدنی (تسبیب) تفاوت عیب و نقصی که خود به خود و در اثر عوامل خارجی به وجود می آید و آنها که از فعل غاصب ناشی می شود، مهم است زیرا در مورد اول، چون رابطه ی سببیت بین ضرر وارد شده و فعل غاصب وجود ندارد، ضمان غاصب محدود به جبران زیان ناشی از همان عیب و نقص است ولی در فرض دوم مسئولیت گسترده تر می شود و آثار بی واسطه ی عیب و نقص را نیز شامل می شود، هرچند که در زمان غضب نیز نباشد ( همان، ج ۲، ص ۳۹-۴۰-۳۱ ).

ضمان غاصب نسبت به منافع: فقهای امامیه برای اثبات ضمان غاصب نسبت به منافع به ادله ی مختلفی استناد کرده اند از جمله: قاعده ی علی الید، قاعده ی احترام به مال مسلم.

ید در صورتی که در مال غیر و بدون اذن صاحب مال باشد موجب ضمان است. منظور از احترام به مال مسلم، مصونیت اموال مسلمان از تصرف و تعدی است به این معنی که تعدی و تجاوز نسبت به مال مسلمان جایز نیست و ثانیاً در فرض وقوع تعدی و تجاوز، متجاوز مسئول و ضامن است (ابهری، پرتوی، ۱۳۸۹، ص ۸-۹).

پس در صورتیکه مال مغضوب منفعتی متصل به آن داشته باشد، به همراه عین به مالک رد می شود و غاصب نمی تواند از این بابت حقی مطالبه کند، هرچند که منفعت نتیجه ی فعل او باشد. در موردی هم که نماء متصل از بین می رود و عین باقی می ماند، اگر قیمتی برای آن باشد، قیمت نماء به مالک داده می شود. در مورد نماء منفصل نیز به همین صورت عمل می شود، زیرا همین که در تصرف غاصب به وجود آید مال مغضوب محسوب می شود یعنی مال مغضوب جدیدی است که برگرداندن آن از واجبات است (کانونزبان، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۴۸).

۵-۱ ملزم شدن به دادن بدل حیلوله

مواردی که غاصب به دادن بدل مال مکلف می شود دو فرض است:

فرض نخست موردی است که عین مغضوب تلف نشده ولی بازگرداندن آن نیز امکان ندارد.

فرض دوم نیز در صورتیست که مال مغضوب تلف شود.



بدل حیلوله : عبارتست از مثل مال مغضوب است که از طرف غاصب تا زمانیکه مالک از منافع مال مغضوب محروم است، جهت استفاده به او تسلیم می شود.

در صورتیکه عین مغضوب تلف نشده باشد ولی امکان برگرداندن آن به مالک در زمان مراجعه ی او وجود نداشته باشد، مالک می تواند تا زمانیکه امکان برگرداندن عین برای غاصب یا غاصبان وجود ندارد، از غاصب تقاضای مثل و مانند مال مغضوب نماید، تا به جای مال مغضوب از آن استیفاء منفعت کند مثلاً اگر مال مغضوب اتومبیلی است که یکی از غاصبان آن را به یکی از شهرهای دور دست یا به خارج از کشور جهت تفریح برده است و در این زمان مالک به یکی از غاصبین مراجعه نماید، امکان برگرداندن عین اتومبیل مغضوب وجود ندارد، مالک می تواند از غاصب درخواست اتومبیلی نماید که تا زمان برگرداندن مال خود، از آن استفاده کند ( باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵-۱۵۴).

ماده ۳۱۱ ق.م دربارۀ این مسئولیت می گوید: « غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید و اگر عین تلف شده باشد باید مثل یا قیمت آن را بدهد و اگر به علت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل آن را بدهد.»

بدین ترتیب، در این ماده سه فرض مختلف پیش بینی شده است:

فرض اول: بقای عین مغضوب و امکان رد آن، که غاصب باید مالی را که در تصرف دارد، چنان که هست، به مالک بازگرداند.

فرض دوم: تلف عین مغضوب: که غاصب باید مثل یا قیمت آن را بدهد.

فرض سوم: بقای عین مغضوب و عدم امکان رد آن، که در این فرض غاصب باید بدل آن را بدهد.

معنی این تقسیم این است که حکم به دادن بدل، جدای از موارد رد عین یا دادن مثل یا قیمت است.

دربارۀ ماهیت حقوقی بدل و اینکه به چه عنوان به مالک پرداخته می شود برخی معتقدند بدل حیلوله نوعی خسارت عدم انجام تعهد است که البته این دادن بدل حیلوله به مالک مال مغضوب همراه با شرط فاسخی است که هرگاه عین مال به مالک برگردانده شود، بدل به دارایی غاصب برگردد. نظریه دیگر بر این مبتنی است که بدل حیلوله جبران خسارت ناشی از محرومیت مالک مال مغضوب از انتفاع آن است و به دارایی مالک منتقل نمی شود بلکه در دارایی غاصب باقی می ماند و فقط مالک مال مغضوب می تواند از آن استفاده نماید.

به نظر می رسد بدل حیلوله، همانطوری که از ظاهر عبارت به ذهن متبادر می شود، بدلی است که جهت جبران خسارت ناشی از محرومیت مالک از منافع مغضوب به او داده می شود. بنابراین بدل در مقابل عین مغضوب به مالک داده نمی شود بلکه در قبال منافع آن به مالک داده می شود و منافع بدل جایگزین منافع عین مغضوب می شود و تا زمانیکه عین مغضوب به مالک برگردانده نشود، مالک می تواند از منافع بدل حیلوله استفاده نماید ولی حق هیچگونه تصرف مالکانه در عین ندارد (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۰، صفایی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵-۱۵۴).

## ۲. ممیزات غاصب در مسئولیت مدنی

با بررسی و مذاقه در مفاهیم و آثار اتلاف، تسبیب و غصب می توان تفاوت مسئولیت مدنی و ضمان غاصب را در مبنا و قلمرو و احکام دانست.

### ۲-۱ از حیث مبنا

ضمان غاصب ناشی از استیلا نامشروع است و هر زمان که به این عنصر خللی وارد آید از بین می رود ولی در دعوی مسئولیت مدنی مبنا ورود ضرر به زیان دیده است، خواه مقدمه ی آن، استیلاء نامشروع باشد یا هر اقدام دیگری که سبب ورود ضرر شود. مثلاً مسئولیت راننده خطاکاری که گوسفند زارعی را در اثر تصادم از بین برده است یا رقیبی که در اثر تبلیغ ناروا، سرمایه ی تاجری را بر باد داده به استیلا ی او بر مال زیان دیده ارتباط ندارد. بر عکس، مسئولیت خریدار مال مغضوب که ندانسته آن را خریده و به دیگران انتقال داده، ناشی از استیلا ی او است و با زیان ناشی از تلف مال، بی ارتباط است ( کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۷).

در نتیجه باید پذیرفت که اضرار لازمه ی تحقق غصب نیست، در حالی که مسئولیت مدنی جز با اضرار صورت خارجی نمی یابد. به عنوان مثال رانندگی در حال مستی بی گمان خطا و قابل سرزنش است ولی تا زمانی که ضرری به دیگری نرساند، مسئولیت ندارد.

### ۲-۲ از حیث قلمرو

در مورد قلمرو مسئولیت مدنی و مسئولیت غاصب باید گفت این دو مسئولیت را نباید از این حیث، یکسان پنداشت : ضمان غاصب محدود به رد عین مال یا بدل آن ( مثل یا قیمت ) و منافع تفویض شده است و شامل آثار دور و نزدیک اقدام غاصب نخواهد شد اما در مسئولیت مدنی فاعل کار زیان بار، مسئول تمام آثار مستقیم ناشی از آن است و حتی گاهی این آثار، چندین برابر تلف مال ارزش دارد. به علاوه جایی که عین و منافع هیچ مالی تلف نمی شود، ضمان ناشی از غصب راه ندارد این در حالی است که مسئولیت مدنی شامل ضررهایی نیز می شود که فاعل سبب آن را به وجو آورده است. همچنین زیان های معنوی و جسمی را تنها به استناد قواعد مسئولیت مدنی می توان خواست نه غصب ( همان، ص ۲۸-۲۷). همچنین به نظر می رسد از حیث قلمرو وجه تمایز دیگری نیز بین این دو مسئولیت وجود دارد : با توجه به ماده ۳۰۸ ق.م که گفته است « غصب، استیلاء بر حق غیر است به نحو عدوان...» می توان گفت غصب شامل حق نیز می شود، اما قانون مدنی در مواد مربوط به اتلاف، این موضوع را به صراحت بیان نداشته.





## ۳-۲ از حیث احکام

احکام مسئولیت مدنی نیز با ضمان غاصب تفاوت دارد: مسئولیت مدنی به عنوان اصل، متکی بر تقصیر است و در موارد استثنایی مسئولیت بدون تقصیر نیز باید بین فعل و خسارت وارد شده رابطه ی علیّت مستقیم وجود داشته باشد، به طوری که در دید عرف بتوان گفت آن زیان را فاعل به بار آورده است اما در غصب، تضمین حق موضوع آن بر غاصب تحمیل می شود. غاصب ضامن عین و منافع آن است، خواه مرتکب تقصیر شده باشد یا نشده باشد (همان، ص ۲۸).

همچنین باید گفت در ضمان غاصب، رابطه ی عرفی برای ایجاد مسئولیت ضروری نیست، بنابراین در موردی که شخص از راه نامشروع بر مال دیگری استیلاء پیدا می کند یا مالی را که به امانت نزد خود دارد در برابر مطالبه ی مالک به او نمی دهد یا انکار می کند، نسبت به زیان وارد بر مال مسئولیت عینی پیدا می کند یعنی به حکم قانون ضامن هرگونه تلف یا نقصی است که تا زمان رد مال به مالک، در آن ایجاد می شود و در ایجاد این مسئولیت، وجود رابطه ی علیّت بین کار غاصب و ورود زیان، شرط نیست، در واقع احکام غصب یک سلسله استثنائاتی است که بر قواعد مربوط به جبران ضرر وارد آمده و تنها به این زمینه ی خاص رفع ضرر نامشروع اختصاص یافته است. (همان، ج ۱، ص ۲۵۱).

## ۴-۲ نهادهای خاص غصب

نهادهایی در غصب وجود دارند که این نهادها در مسئولیت مدنی موجود نیست و خاص ضمان غاصب می باشد:

## ۱-۴-۲ وجود بدل حیلوله

حکم به دادن بدل، جدای از موارد رد عین یا دادن مثل یا قیمت است. بدل حیلوله، بدلی است که جهت جبران خسارت ناشی از محرومیت مالک از منافع مغضوب، به او داده می شود، بنابراین بدل حیلوله یکی از ویژگی های خاص غاصب است که در سایر عناوین ضمان قهری دیده نمی شود.

## ۲-۴-۲ عدم تاثیر قوه قاهره

یکی از مختصات غصب در برابر قواعد مسئولیت مدنی در این است که لزومی ندارد تلف مال مستند به فعل غاصب باشد، همین اندازه که مالی در استیلاء عدوانی دیگری قرار گیرد، به حکم قانون ضمان عین و منافع آن به عهده ی غاصب است و این ضمان تا لحظه ی بازگرداندن عین باقی می ماند، خواه تلف در زمانی رخ دهد مال در تصرف خود غاصب نباشد و خواه مال به وسیله ی شخص معین (غاصب یا دیگری) تلف شود یا حوادث قهری آن را از بین ببرد. نتیجه ی منطقی این ترتیب بی اثر بودن دخالت قوه قاهره و اشخاص در ضمان غاصب است. پس، اگر سیل مال مغضوب را ببرد یا خریدار آن را تلف کند، مالک در هر حال می تواند به غاصب رجوع کند، منتها هر گاه تلف به دست دیگری صورت پذیرد یا در زمان تصرف غاصب دیگر رخ دهد غاصب نخستین می تواند پس از جبران کردن خسارت مالک به متلف رجوع کند. به همین جهت می توان گفت هنگام جمع شدن ضمان ید و اتلاف، مسئولیت ناشی از اتلاف مقدم و قوی تر است و ضمان ید وثیقه ی اجرای این مسئولیت تلقی می شود (همان، ج ۲، ص ۸۹).

## ۳. ممیزات غاصب در استیفاء (مشروع)

در رابطه با تفاوت مسئولیت غاصب و مسئولیتی که در استیفاء مطرح می شود باید گفت، مسئولیت ناشی از غصب منوط به استیفاء نیست و غاصب حتی در صورت عدم استیفاء نیز مسئول است. اما هرگاه غاصب از مال مغضوب بهره مند شود، علاوه بر مسئولیت های ناشی از غصب، مسئول پرداخت عوض منافی است که از مال مغضوب بهره مند شده است. به علاوه در استیفاء مشروع، عنصر عدوانی بودن استیلاء وجود ندارد در صورتی که غصب زمانی محقق می شود که کسی بر حق دیگری با قهر و ظلم مستولی شود. بنابراین، هرچند استیفاء و غصب هر دو در این جهت مشترک است که مال غیر در تصرف و استفاده غیرقانونی متصرف قرار می گیرد ولی از این جهت تفاوت دارند که اولاً در استیفاء مالک مال، آن را به طرف دیگر تحویل می دهد، در حالی که در غصب مالک هیچ نقشی در تسلیم مال به غاصب ندارد. ثانیاً در غصب در بیشتر موارد متصرف عالم به عدم استحقاق خویش است و در مواردی با انکار مالکیت مالک و ادعای مالکیت خویش، نسبت به مال، آن را به قهر و غلبه از تصرف مالک خارج می نماید ولی در استیفاء، گیرنده منکر مالکیت نیست بلکه خود را طلبکار او تصور می کند و مال را جهت استیفاءی طلب از او قبض می نماید (باریکلو، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷-۱۵۶).

## ۴. ممیزات غاصب در استیفاء نامشروع

استیفاء نامشروع شامل دو عنوان استفاده ی بدون جهت و ایفای ناروا می شود بنابراین وجه تمایز مسئولیت غاصب باید با این دو عنوان مشخص شود.

## ۱-۴ ممیزات غاصب در استفاده بدون جهت

در بسیاری موارد استفاده از مال دیگری با استیلاء بر آن آغاز می شود و موضوع عنوان غصب قرار می گیرد برای مثال دزدی اتومبیل غیر را می رباید و می راند کار دزد به اعتباری استیفاء نامشروع و به اعتبار دیگر غصب است. منتها این انطباق تنها در بخشی از مسئولیت های غاصب است و دامنه



ی مسئولیت او از حدود آنچه منتفع شده فراتر می رود و محدود به عوض منافع مورد استفاده نمی گردد چنان که اگر اتومبیل در حادثه ای تلف شود یا دزد دیگری آن را به سرقت ببرد، بر مبنای استیفای نامشروع نمی توان از او چیزی گرفت، ولی به عنوان غاصب، مسئول است. البته این مهم را نیز باید افزود که گاه استیلائی عدوانی باعث ایجاد ضمان می شود، بدون این که استیفایی صورت بگیرد مثل این که خانه مغضوب به سبب زلزله خراب شود و گاه استیفاء با مستولی شدن به عدوان همراه نیست مانند استفاده از نام تجاری غیر یا استفاده ی بدون جهت صادر کننده ی براتی که مشمول مرور زمان پنج ساله شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۹).

۲-۴ ممیزات غاصب در ایفای ناروا

اصطلاح ایفای ناروا در قانون مدنی وجود ندارد اما به این معنا است که یک نفر به دیگری مدیون نیست اما می رود دینی را به او می دهد پس اگر کسی به یک نفر بدهکار باشد دینش را بدهد ایفای روا می گویند (ایفای تعهد موضوع ماده ۲۶۵ ق.م) ولی اگر کسی که به دیگری بدهکار نیست مبلغی را به او پرداخت کند ایفای ناروا می نامند، کسی که مال به او تأدیه می شود اگر به عدم استحقاق خود عالم باشد، غاصب است و در صورت جاهل بودن، در حکم غاصب و تابع مقررات آن است پس در موارد سکوت قانون در این زمینه می توان به مقررات غصب رجوع کرد حتی می توان گفت با وجود مقررات غصب به ذکر مواد خاص برای ایفای ناروا نیازی نیست. بنابراین ید غاصب و در حکم آن، ید ضمانی است یعنی مطلقاً مسئول است و اثبات قوه قاهره نیز تأثیری ندارد. پس باید پذیرفت که ایفاء ناروا هر چند یکی از مصداق های بارز استیفای نامشروع است، از حیث احکام با قواعد غصب خویشاوندی بیشتری دارد. تنها تفاوت مهم آن با غصب در این است که طبق ماده ۳۰۵ ق.م. دریافت کننده اگر عالم باشد، نمی تواند مخارجی را که برای حفظ مال کرده است از صاحب آن بگیرد، ولی دریافت کننده اگر حسن نیت داشته باشد یعنی جاهل باشد می تواند مخارج نگاهداری مال را از صاحب مال بگیرد (صفایی، ۱۳۹۳، ص ۱۱-۱۲، کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۵۰).

وجه تمایز دیگر این دو این است که در ایفای ناروا خود مالک مال را به اشتباه در اختیار گیرنده قرار می دهد این درحالی است که در غصب غاصب به نحو عدوان بر مال استیلا پیدا می کند. هم چنین در غصب غاصب در اکثر موارد عالم به عدم استحقاق خویش است ولی در ایفای ناروا گیرنده مال می تواند جاهل باشد.

نتیجه گیری

غصب به عنوان استیلائی نامشروع بر مال دیگری با مسئولیت مدنی و استیفاء اعم از مشروع و نامشروع به طور آشکار و بارزی متمایز می گردد در واقع وجه تمایز غصب با مسئولیت مدنی در مبنای قلمرو و احکام و آثار است که این وجه تمایز ایجاب می کند، نظریه ی غصب مستقل بماند و پیرو آن مسئولیت غاصب نیز متمایز گردد ضمان غاصب، به رد عین مال یا بدل آن و منافع تفویض شده خلاصه می شود و شامل آثار دور و نزدیک اقدام غاصب نخواهد شد اما در مسئولیت مدنی فاعل کار زیان بار، مسئول تمام آثار مستقیم ناشی از آن است و حتی گاهی این آثار، چندین برابر تلف مال ارزش دارد. هم چنین در رابطه با مقایسه ی مسئولیت غاصب با سایر عناوین ضمان قهری چنین بدست می آید که مسئولیت غاصب با دارا بودن ویژگی ها و نهادهای خاص که در دیگر عناوین های ضمان قهری وجود ندارد از جمله مانند بدل حیلولة و عدم تأثیر قوه قاهره، شدیدتر از دیگر مسئولیت هاست. پیشنهاد می شود که در قانون مدنی در مبحث غصب بابی با عنوان احکام مشترک غصب و مسئولیت مدنی (اتلاف و تسبیب) و سایر عناوین ضمان قهری، اختصاص پیدا کند تا از این طریق تفاوت احکام و قلمرو این عناوین با یکدیگر و به خصوص با غصب به طور بارزی تشخیص یابد.

### مراجع

۱. باریکلو، علی رضا، مسئولیت مدنی، تهران، میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۷
۲. صفایی، سیدحسین، رحیمی، حبیب الله، مسئولیت مدنی، قم، سمت، چاپ سوم، تابستان ۱۳۹۱
۳. کاتوزیان، ناصر، الزام ها خارج از قرارداد، جلد اول، مسئولیت مدنی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴
۴. کاتوزیان، ناصر، الزام های خارج از قرارداد، جلد دوم، غصب و استیفاء، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴
۵. کاتوزیان، ناصر، وقایع حقوقی، شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم، ۱۳۹۰
۶. قاسم زاده، سیدمرتضی، الزام ها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد، تهران، میزان، چاپ نهم، ۱۳۹۰
۷. بررسی استحقاق غاصب نسبت به افزایش قیمت مال مغضوب، عباس میرشکاری، ماهنامه قضاوت، شماره ۷۴، بهمن و اسفند ۱۳۹۰، از ص ۵۶-۵۰
۸. مفهوم و قلمرو غصب در فقه اسلامی و حقوق مدنی ایران، حمید ابهری، ایوب پرتوی، مقالات و بررسیها، دفتر ۸۹، پاییز ۱۳۸۷، از ص ۲۷-۱۱



## Distinction of usurper in the tortious liability

Zohreh Najafi

University of shahed Tehran, Master degree of private law

Email: [Zohreh.law@gmail.com](mailto:Zohreh.law@gmail.com)

**Abstract:** usurpation is one of the genuine titles in law that must be independent of tort and other titles of tortious liability. In order to fully understand the usurpation and compare the liability of the usurper with other titles of tortious liability, analyzing the specific characteristics of each one and examining their difference with each other is very important. This comparison reveals the independence of the illegitimate domination along with civil liability and use. The distinction between usurpation and tort is in the basis, territory, rules and works That, this distinction will require theory of usurpation to be independent. Following this, the usurper`s liability is also distinguished. And it also seems the liability of the usurper is much more severe than liability in the other titles of tortious liability.

**Keywords:** usurpation, the usurper`s liability, tort, indirect, deliberate destruction, use, unjust enrichment, unjustified performance.